



چگونگی عملکرد

به ندرت کسی را دیده‌ایم که راه ما را کاملاً پیروی کند و شکست بخورد. کسانی که بهبود نمی‌یابند آن‌هایی هستند که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند خود را کاملاً به این برنامه‌ی ساده بسپارند. آن‌ها معمولاً مردان و زنانی هستند که اساساً نمی‌توانند با خود صادق باشند. چنین بدشانس‌هایی وجود دارند. آن‌ها مقصر نیستند و به نظر می‌رسد که این‌گونه به دنیا آمده‌اند. آن‌ها طبیعتاً نمی‌توانند روش زیستی را که نیاز به صداقت کامل دارد، درک و پرورش دهند. شانس آن‌ها کم‌تر از حد معمول است. اشخاصی نیز وجود دارند که از اختلال‌های شدید احساسی و فکری رنج می‌برند، اما بسیاری از آن‌ها حتماً بهبود می‌یابند مشروط بر آن که ظرفیت صادق بودن را داشته باشند.

داستان‌های ما به‌طور کلی بیان‌کننده‌ی این می‌باشد که ما چگونه بودیم، چه اتفاقی برای‌مان افتاد و اکنون چگونه هستیم. اگر شما تصمیم گرفته‌اید آن‌چه را که ما داریم، به دست آورید و مایلید بدین منظور به هر اقدامی دست بزنید، در آن صورت آماده‌اید که قدم‌های مشخصی را بردارید.

ما در مقابل بعضی از این قدم‌ها طفره رفتیم و فکر کردیم می‌توانیم راه ساده‌تر و آسان‌تری پیدا کنیم ولی نتوانستیم. با همه‌ی وجود و ملت‌مسانه از شما تقاضا داریم که از همان ابتدا کاملاً بی‌پروا و دقیق باشید. بعضی از ما سعی کردیم به عقاید کهنه‌ی خود بچسبیم اما هیچ نتیجه‌ای نگرفتیم، تا آنکه کاملاً آن‌ها را رها کردیم.

به‌خاطر داشته باشید که با الکل سر و کار داریم — که حيله گر، مبهوت‌کننده و با قدرت است! بدون کمک غلبه بر آن بسیار دشوار است، اما مرجعی وجود دارد که تمام قدرت‌ها در دست اوست — که آن خداوند است، باشد که اکنون او را پیدا کنید!

از میان‌برها حاصلی نگرفتیم. به نقطه‌ی تغییر رسیدیم. با تسلیم کامل از خداوند درخواست محافظت و مراقبت نمودیم.

این‌ها قدم‌هایی است که ما برداشتیم و به‌عنوان یک برنامه بهبودی پیشنهاد می‌شوند:

- ۱) ما پذیرفتیم در مقابل الکل قدرتی نداشتیم — که زندگی‌مان غیرقابل اداره شده بود.
- ۲) به این باور رسیدیم که قدرتی برتر از خودمان قادر است سلامت عقل را به ما بازگرداند.
- ۳) تصمیم گرفتیم اراده و زندگی‌مان را به مراقبت خداوند آن‌گونه که او را درک کردیم بسپاریم.



۴) یک ترازنامه‌ی بی‌باکانه و جستجوگرانه‌ی اخلاقی از خود گرفتیم.

۵) در برابر خداوند، خودمان و یک انسان دیگر، ماهیت دقیق اشتباهات خود را پذیرفتیم.

۶) کاملاً آماده بودیم خداوند کلیه‌ی نقص‌های شخصیتی ما را از میان بردارد.

۷) با فروتنی از او خواستیم کمبودهای ما را بر طرف کند.

۸) فهرستی از تمام کسانی که به آنها صدمه زده بودیم تهیه کردیم و برای جبران خسارت از همه‌ی آنها تمایل پیدا کردیم.

۹) در هر جا که امکان داشت به‌طور مستقیم از این افراد جبران خسارت کردیم، مگر در مواردی که انجام این کار به ایشان یا دیگران آسیب برساند.

۱۰) به گرفتن ترازنامه‌ی شخصی خود ادامه دادیم و هرگاه در اشتباه بودیم سریعاً آن را پذیرفتیم.

۱۱) از راه دعا و مراقبه خواهان بهبود رابطه آگاهانه‌ی خود با خداوند آن‌گونه که او را درک کردیم شدیم، فقط برای آگاهی از خواست او برای ما و قدرت انجامش دعا می‌کنیم.

۱۲) با داشتن بیداری روحانی حاصل از این قدم‌ها، سعی کردیم این پیام را به الکلی‌ها برسانیم و این اصول را در تمام امور زندگی خود تمرین کنیم.

بسیاری از ما فریاد زدند: "این چه دستورالعملی است، من نمی‌توانم آن را انجام بدهم". مایوس نشوید. هیچ یک از ما نتوانسته این اصول را بدون عیب و نقص رعایت کند. ما از مقدسین نیستیم. نکته این است که ما تمایل به رشد در مسیر معنوی داریم. اصولی که مطرح کرده‌ایم راهنمای ما برای پیشرفت هستند. ما ادعای پیشرفت معنوی داریم نه کمال معنوی.

توصیف ما از الکلی، فصل مربوط به شگاکان به وجود یا عدم وجود خدا و ماجراهای شخصی ما در گذشته و حال، سه نظر مرتبط را به وضوح مشخص می‌کند:

الف) این که ما الکلی بودیم و نمی‌توانستیم زندگی خود را اداره کنیم.

ب) این که احتمالاً هیچ نیروی انسانی قادر نبوده است ما را از الکلیسم نجات دهد.

ج) این که خداوند می‌تواند، و نجات‌مان خواهد داد اگر در جستجویش باشیم.